

## دفاع بانک جهانی از سیاست های اقتصادی رژیم

مردم خواهان تغییر سمت گیری سیاست های اقتصادی به سوی کوتاه کردن دست کلان سرمایه داران حاکم و حرکت به سمت عدالت اجتماعی اند

نامه مردم  
از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۱۱، دوره هشتم  
سال هجدهم، ۲۹ خرداد ۱۳۸۰

قدردانی کرده است. در این گزارش تاکید می گردد: «این کشور (ایران) واجد شرایط بهره برداری از امکانات بانک و سایر سازمان های پولی و مالی بین المللی می باشد.» اهمیت این گزارش برای مقامات رژیم ولایت فقیه آن هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ چنان بود که، به تبلیغات پر دامنه پیرامون آن پرداخته و در رسانه های همگانی برجسته اش ساختند. محمد خزاعی، نماینده جمهوری اسلامی در بانک جهانی نتایج اجلاس اخیر این نهاد را مثبت و موفقیت آمیز نامید و یادآور شد: «گزارش بانک جهانی در مجموع چهره خوبی از ایران در سطح

بانک جهانی در مقام یکی از مهم ترین و بانفوذترین ارگان های سرمایه داری جهانی، طی آخرین نشست نمایندگان و مدیران اجرایی خود، پس از ارائه ارزیابی بی از مسایل کشور ما، با انتشار گزارشی، اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران را مثبت و امیدوار کننده خواند. در بخش هایی از گزارش مذکور که در مطبوعات جمهوری اسلامی بازتابی گسترده داشت از جمله تاکید شده است: «کاهش بدهی های خارجی و کاهش تورم از نشانه های رونق اقتصادی در ایران است.» بانک جهانی با صراحت کم سابقه ای از توسعه بخش خصوصی، خصوصی سازی موسسات و شرکت های دولتی و ... که از اصول مصوب برنامه سوم توسعه است، حمایت و

ادامه در صفحه ۴

## کروبی و کارگزاری ارتجاع

به گزارش ایرنا، ۲۷ خرداد، مهدی کروبی، رئیس مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه طرح «تحقیق و تفحص از صدا و سیما» را از دستور کار مجلس خارج کرد. مهدی کروبی دلیل این کار را منافات طرح مذکور با آیین نامه داخلی مجلس ذکر کرد. در این جلسه موسی قربانی یکی از نمایندگان گفت که، از دستگاه زیر نظر ولی فقیه نمی توان تحقیق و تفحص کرد و تفسیر شورای نگهبان این است که صدا و سیما زیر نظر رهبری است. احمد بورقانی در این باره اظهار داشت که شورای نگهبان امروز تفسیر نکرده بلکه قانون وضع کرده است، کاری که وظیفه مجلس است. کروبی در توضیح این مسئله گفت: «آیین نامه صراحت دارد که دستگاه های زیر نظر رهبری تحقیق و تفحص نشود. بنده اعتقاد دارم که این قانون باید اصلاح شود اما امروز ملاک برای من قانون و آیین نامه داخلی است.» شهربانو امانی نیز اظهار داشت که رئیس مجلس در امر قانون گذاری و اداره جلسه، حق و تو ندارد. وی همچنین اضافه کرد که

ادامه در صفحه ۳

### در این شماره

- درد آتشین به کارگران چیت ری و شادان پور ۳ ص
- زنان و پدیده فقر ۵ ص
- قیام بر ضد جهانی شدن و نولیبرالیسم ۸ ص
- انحصارهای جهان خوار نفتی و نظامی، دولت بوش، جنگ بالکان، دریای خزر و نفت ۸ ص

## تأملی بر نتیجه انتخابات خرداد ۱۳۸۰ و راه دشوار پیش رو

واجبین شرایط در انتخابات با هر میزان و معیاری، در مقایسه با دیگر کشورهای جهان، رقم بالایی است و از میزان ۷۰ درصد شرکت کننده در انتخابات نمی توان به این نتیجه رسید که سیاست تحریم با استقبال توده ها روبه رو شده است. ما در عین حال با این نظر موافقیم که در مقایسه با انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، از شمار شرکت کنندگان در انتخابات کاسته شده بود و این امر نیز بیش از پیش به دلیل نارضایتی توده ها از عملکرد ضعیف و مماشات گرانه دولت خاتمی در چهار سال نخست آن بود. نکته دیگری که توجه به آن اهمیت دارد این است که در کنار سیاست تحریم شماری از نیروهای اپوزیسیون، نیروهای مدافع «ذوب در ولایت» نیز وسیعاً تلاش می کردند تا توده ها را از شرکت در انتخابات منصرف کنند. معرفی نکردن نامزد رسمی، تبلیغ این نظر که شرکت کردن یا شرکت نکردن توده ها تأثیری در نتیجه انتخابات ندارد و خاتمی بهر صورت برنده انتخابات است و تشدید فشار های گوناگون، از جمله یورش به نیروهای ملی - مذهبی چند هفته پیش از انتخابات همگی به منظور تضعیف حضور توده ها و نا امید کردن آنان به آینده تنظیم و اجراء گردید. ارتجاع امیدوار بود که عدم حضور وسیع توده ها در پای صندوق های رأی را به عنوان سست شدن پایه های اجتماعی روند اصلاحات اعلام نماید و زمینه را برای سرکوب و متوقف کردن کامل این روند آماده سازد.

ادامه در صفحه ۶

انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۸۰، که به همه پرسی بی درباره ادامه روند اصلاحات و یا توقف آن تبدیل شد، با پیروزی مردم و شکست سنگین نامزدهای آشکار و نهان رژیم «ولایت فقیه» به پایان رسید. سخن بر سر استقبال و یا عدم استقبال مردم از انتخابات و موفقیت و یا عدم موفقیت تاکتیک های مختلف اتخاذ شده در این زمینه همچنان یکی از موضوع های مهم مورد بحث محافل سیاسی و اجتماعی کشور است. نیروهایی که انتخابات را تحریم کردند عدم حضور ۱۴ میلیون ایرانی در پای صندوق های رأی را نشانگر استقبال مردم از سیاست تحریم ارزیابی می کنند، سران رژیم و مخالفان سرسخت ادامه روند اصلاحات، همچنان که پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ کوشیدند، شرکت بیش از ۲۸ میلیون ایرانی در انتخابات را رأی به «نظام» اعلام می کنند و مدافعان اصلاحات رأی ۲۲ میلیونی خاتمی را رأی به ادامه اصلاحات و پشتیبانی وسیع توده ها از این روند اعلام می کنند.

تا آنجا که به سیاست تحریم انتخابات مربوط است نکته روشن این است که در هیچ جای دنیا در هیچ انتخاباتی ۱۰۰ درصد مردم در رأی گیری شرکت نمی کنند و توجه به انتخابات ریاست جمهوری در ایران پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نیز موید این نظر است. بر اساس آمار موجود حتی در اولین انتخابات ریاست جمهوری ایران، پس از انقلاب، که تقریباً همه نیروهای سیاسی در آن شرکت داشتند میزان شرکت کنندگان رقمی نزدیک به ۶۷٪ بود که مشابه انتخابات خرداد ۱۳۸۰ است. اصولاً شرکت نزدیک به ۷۰ درصد

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

## ادامهٔ کربوبی و کارگزاری ارتجاع ...

## بحث بر سر کابینه آینده

چنگ زنان میهن خارج شد. متاسفانه این امر با وجود حضور تعیین کننده و شکوهمند زنان در دو انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ و ۸۰ و انتخابات مجلس ادامه یافت و زنان با وجود کشیدن سهم عمده‌ی بی از بار سنگین اصلاحات به دوش خود نصبی نبردند. کسانی که واقعا قصد دارند در چارچوب های کنونی کاری به نفع زنان انجام دهند این مسأله را باید مورد توجه قرار دهند که بیشترین گرفتاری زنان ناشی از وجود قوانین زن ستیز کنونی در میهن ماست. بسیاری از زنان میهن ما برعکس تمام شایستگی ها به دلیل وجود چنین قوانینی از بسیاری پست های مهم محروم گردیده و مهم تر از آن در عرصه های اجتماعی در مقابل ستم های تحمیل شده به آنها مجبور به سکوت گردیده اند. با توجه به بینش حاکم بر سرمداران کنونی و مخالفت گسترده شورای نگهبان برای تصویب قوانین حداقل برای زنان ایجاد و بستر سازی برای تشکل های گوناگون زنان در مقطع کنونی راه را برای احقاق حقوق زنان در آینده هموار می سازد.

بینشی که خواستار مذاکره و چانه زنی با علمای حوزه علمیه برای تغییر قوانین شرعی به نفع زنان می باشد در نهایت دستاوردی برای زنان به همراه نخواهد داشت. تنها از طریق فشار توده ها در قالب تشکل های مردمی می توان در هر عرصه ای و از جمله عرصه تعیین کننده زنان به موفقیت رسید. وظیفه جنبش اصلاحات در میهن ما باید حرکت به این سمت و سو باشد.

هفته گذشته تغییرات احتمالی در کابینه آینده خاتمی حجم زیادی از مطالب روزنامه های مجاز در داخل کشور را به خود اختصاص داده بود. تغییرات مورد نظر بیشتر در مورد پست های اقتصادی مد نظر و بررسی قرار گرفته است اما موارد دیگری وجود دارد که قابل بررسی است. روزنامه «آفتاب یزد»، از قول فاطمه راکعی نوشت: «ما از مدت ها پیش تقاضای زنان و پیشنهادات فراکسیون برای ارتقای جایگاه زنان در سطوح بالای مدیریتی و در کابینه را با رئیس جمهور مطرح و به صورت مکتوب به ایشان دادیم. خصوصا در هنگام تغییر پنج وزیر در کابینه قبلی پیشنهاد کردیم وزرا در سطح مدیریت های میانی، معاونت های کل از همکاری زنان استفاده کنند. با انتخاب مجدد آقای خاتمی فراکسیون زنان سریعاً نقطه نظرات خود را برای حضور حداقل سه زن در کابینه جدید، حداقل یک معاون برای هر وزارتخانه، تعدادی سمت های مدیر کلی و در سطح سازمان های مثل سازمان بهزیستی، هلال احمر و تربیت بدنی به صورت مکتوب به رئیس جمهور ارائه داد.»

وی اسامی پیشنهادی وزراء و روسا را زهرا رهنورد، معصومه ابتکار، جلودارزاده و فائزه هاشمی اعلام کرد. در عرصه سیاسی ایران این اولین بار نیست که زنان به پست ها و مقام های دولتی می رسند. در دوران سیاه پهلوی این امر حتی بیشتر و نمایان تر به نمایش درآمد و در همه موارد کسانی به این مقامات رسیدند که مهره های دست چین شده رژیم بودند. اما در تمامی دوران قبل و بعد از انقلاب برعکس تمامی ظاهر فریبی ها هیچگونه اقدام حمایتی در جهت تصویب قوانین برابر حقوق برای زنان در مقابل مردان به عمل نیامد و حتی بعد از انقلاب اندک دستاوردهای گذشته با جایگزینی قوانین قرون وسطایی فعلی از

رئیس مجلس مانند سایر نمایندگان، یک رای دارد و این کار امروز کربوبی، تضعیف جایگاه مجلس است. نعمی پور رئیس فراکسیون مشارکت در مجلس گفت: «راه اصلاح طلبان، هموار نیست و موافقی هم، همانند آنچه که امروز اتفاق افتاد، بر سر راه اصلاح طلبی وجود دارد.» وی در ادامه گفت که، کربوبی، گاهی اوقات در هدایت مجلس بدون مشورت و هماهنگی با هیئت رئیسه نقطه نظرات شخصی خود را اعمال می کند. قبلاً ضرغامی از معاونین صدا و سیما، تحقیق و تفحص از این سازمان را خلاف قانون دانسته بود و اظهار داشته بود که، صدا و سیما از جمله بخش های خاصی است که زیر نظر رهبر اداره می شود و تحقیق و تفحص را تنها می توان با اجازه رهبری انجام داد. الهه کولایی در جلسه علنی مجلس اعلام کرد که این مجلس به چه درد می خورد.

این برای اولین بار نیست که مجلس هنگام بررسی یک طرح با چنین وضعیتی مواجه می شود. سال گذشته هنگام بررسی طرحی راجع به مطبوعات مردم شاهد چنین وضعی در مجلس بودیم. نکته قابل توجه در این باره اینکه در هر دو مورد مهدی کربوبی که چهره ضد اصلاح طلبی اش، برای برخی از نیروهای اصلاح طلب «خودی» هر روز بیشتر افشاء می شود نقش اصلی را به نمایندگی از طرف ذوب شدگان در ولایت و در زیر پوشش «اصلاح طلب» و با حربه «قانون» به خوبی ایفا کرده است. البته این امر بدون منظور هم انجام نگرفته است. ارتجاع حاکم قصد دارد مشکلات و موانع موجود را حتی الامکان در دایره جناح های طرفدار اصلاحات در مجلس نگه دارد و با استفاده از مهره های شناخته شده یی چون کربوبی این امر به آسانی صورت می گیرد و همین مسأله نهادهای رسمی ارتجاع همچون شورای نگهبان را از رویارویی مستقیم با مجلس دور می کند. این اتفاق هنگامی روی می دهد که چند روز پیش با انتخاب مجدد هیئت رئیسه مجلس بار دیگر کربوبی به ریاست مجلس برگزیده شد. مسأله دیگر این است که ارتجاع به هیچ وجه حاضر نیست ارگان های تحت کنترل خویش را که نقش اساسی در اجرای برنامه های آنها دارند از دست بدهد. صدا و سیما به عنوان یکی از ارگان های تبلیغی بسیار مهم و با استفاده از بودجه عمومی به طور کلی در خدمت برنامه های ارتجاع و بر ضد جنبش اصلاحی ایران اقدامات مشخصی را از جمله پخش برنامه های مسمم کننده «هویت»، «اعترافات» زندانیان سیاسی و پرونده سازی شرکت کنندگان در کنفرانس برلین را به خوبی ایفا کرده است و این سوی دیگر برنامه های گذشته این سازمان است.

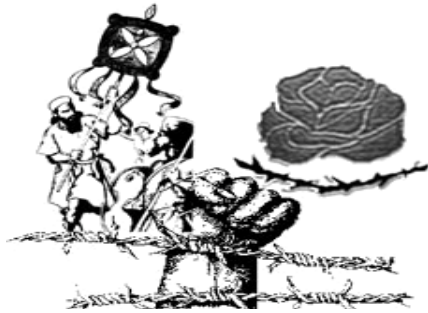
پیامدهای چنین تنش ها و درگیری هایی که به وسیله افرادی همچون کربوبی به مرحله اجرا درآمده، در صورت درک درست و دقیق اصلاح طلبان واقعی می تواند به ضد خود تبدیل شود. حزب توده ایران معتقد نیست در چارچوب های این چنینی که اراده یک فرد و یا یک ارگان تحت کنترل بر همه امور توفیق دارد بتوان به موفقیت هایی به نفع جنبش مردمی نایل آمد. راه های پیشرفت را باید در جایی خارج از چنین نهادهایی جستجو کرد. همچنان که ما در گذشته تأکید کرده ایم اصلاحات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در چارچوب رژیم ولایت فقیه ممکن نیست. تجربه چهار سال گذشته همچنین نشان داده است که بدون سلب اختیارات ولی فقیه و نهادهای انتصابی تحت کنترلش امیدی به پیشرفت اصلاحات نمی توان داشت. باید با درس گرفتن از گذشته، با قاطعیت، و با دخالت و بسیج توده های میلیونی که در ۱۸ خرداد بار دیگر به رژیم «ولایت فقیه» نه گفتند راه را برای زیر فشار قرار دادن مستقیم ارتجاع و کارگزاری همچون کربوبی باز کرد.

## اظهارات آیت الله منتظری

الله هر کس انتخاب می شود به نفع کشور و اسلام فعالیت کند. راجع به خبرگان، اینجانب نسبت به آقایان نامزدها مشکلی ندارم ولی تا به حال به مجلس خبرگان رای نداده ام، شش ماه یک مرتبه جلسه یی تشکیل می دهند و کارهایی که وظیفه شان است انجام نمی دهند، در کارهای دیگر که وظیفه شان نیست اظهار نظر می کنند، ولی اصل وظیفه شان را که نظارت بر کار رهبری است انجام نمی دهند. آقای ری شهری دادگاه ویژه را تاسیس کرد و بعد از سه چهار سال خودش به اشتباهش پی برد و کنار رفت. با وجود نظر علما و بزرگان و نخبگان مبنی بر اینکه دادگاه ویژه خلاف قانون است یک دفعه در خبرگان حرفی از آن زده نشد. این در حالی است که خبرگان منتخب مردم اند، رئیس مجلس خبرگان در نطق افتتاحیه جلسه خبرگان حدود یکسال قبل گفتند که خبرگان در برابر خدا و مقام معظم رهبری مسئولیت دارند، در حالی که باید بگویند، ما در مقابل خدا و مردم مسئولیت داریم.»

در جریان رای گیری برای انتخابات ریاست جمهوری، آیت الله منتظری به هنگام رای دادن از جمله اظهار داشت: «چون مردم با امید در انتخابات شرکت می کنند، پس منتخب آنها باید به فکر وضع اقتصادی، فرهنگی، دینی و معیشتی جامعه باشد و به وعده هایش عمل کند. متاسفانه از اول انقلاب شعار بیشتر از عمل بوده است، شعار زیاد داده اند، ولی یا موفق نشده اند یا بالاخره مشکلاتی بر سر راهشان بوده. خلاصه آنجور که باید دموکراسی و آزادی اجرا نشد، ژاپن خیلی دیرتر از ایران به فکر آزادی و دموکراسی افتاد، ولی در کشور ما از ابتدای حکومت مشروطه بحث حکومت مردمی و آزادی بود در حالیکه الآن ژاپن در این مورد و در موارد اقتصادی از آمریکا اگر جلوتر نباشد عقب تر نیست. متاسفانه هر وقت هم در کشور ما کسی می خواست کاری بکند نمی گذاشتند مثل امیر کبیر که او را به ناحق کشتند، در حالی که در کشور ما از نظر ذخایر در بهترین جای دنیا قرار گرفته است. انشاء

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



## وقایع نگاری یک سده جنبش کارگری و کمونیستی ایران

- ۳ شهریور ۱۳۲۰ - ورود نیروهای متفقین به ایران و پایان دیکتاتوری بیست ساله رضا شاه
- ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ - آزادی عده ای از زندانیان سیاسی معروف به گروه ۵۳ نفر
- ۷ مهر ۱۳۲۰ - تشکیل جلسه مؤسسان حزب توده ایران و انتخاب کمیته مرکزی موقت به ریاست سلیمان محسن اسکندری، یکی از رجال آزادی خواه صدر مشروطیت
- ۱۰ مهر ۱۳۲۰ - روز تأسیس حزب توده ایران، مصادف با جشن باستانی مهرگان
- ۲۴ مهر ۱۳۲۰ - تصویب قانون عفو عمومی زندانیان سیاسی در مجلس دوازدهم
- ۱۲ بهمن ۱۳۲۰ - انتشار نخستین روزنامه ضد فاشیستی «مردم»
- ۱۴ بهمن ۱۳۲۰ - نخستین همایش عظیم حزب توده ایران به مناسبت دومین سال شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتشکان ایران
- ۳ اسفند ۱۳۲۰ - انتشار روزنامه «سیاست» به عنوان ارگان مرکزی حزب. در نخستین شماره این روزنامه اصول اساسی و مرامنامه حزب انتشار یافت.
- اسفند ۱۳۲۰ - تشکیل شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران
- ۱۷ مهر ۱۳۲۱ - اولین کنفرانس ایالتی حزب توده ایران با حضور ۱۲۰ نماینده برگزار شد. در میان شرکت کننده ۳۳ شرکت کننده از شهرستان ها به عنوان میهمان حضور داشتند. در این کنفرانس علاوه بر سایر تصمیمات، ماده ای مربوط به لزوم تأمین حقوق سیاسی زنان در برنامه حزب گنجانده شد.
- ۱۰ بهمن ۱۳۲۱ - نخستین شماره روزنامه «رهبر»، ارگان مرکزی حزب به جای روزنامه سیاست انتشار یافت. این روزنامه از نظر کثرت انتشار دومین روزنامه کشور بود.
- اول فروردین ۱۳۲۲ - تشکیل سازمان جوانان حزب توده ایران
- خرداد ۱۳۲۲ - تشکیل نخستین اتحادیه های دهقانی در اطراف تهران و در برخی استان ها بویژه آذربایجان. این اتحادیه ها به همت اعضای حزب توده ایران پدید آمدند.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

# درد پر شور به کارگران چیت ری و شادان پور

هفته گذشته در پی سلسله اعتراض های کارگری، کارگران کارخانه های کفش شادان پور و چیت ری، در یک اقدام شکوهمند و آگاهانه که در آینده تاثیرات مثبت خود را به طور حتم بر جنبش کارگری بر جا خواهد گذاشت به یک پیروزی نسبی دست پیدا کردند. به گزارش خبرگزاری ایسنا، در روز سه شنبه ۲۲ خرداد ماه سال جاری، صدها تن از کارگران کارخانه چیت ری در مقابل ساختمان مجلس گرد آمدند و با برپایی تظاهرات، ضمن سردادن شعارهایی بر ضد بنیاد مستضعفان مخالفت روشن و صریح خود را با برنامه خصوصی سازی رژیم ولایت فقیه اعلام داشتند.

رسانه های همگانی در گزارشات متعدد خود تصریح کردند، کارگران اعتصابی چیت ری، ضمن گردهمایی خود که در محاصره کامل واحدهای امنیتی و بسیج و یگان های ضد شورش نیروهای انتظامی قرار داشت بخشی از نرده های آهنی اطراف ساختمان مجلس را از جا کنده و به این شکل خشم خود را بروز دادند.

گسترده شدن این تظاهرات به حدی بود که، خیابان سپه - خمینی - کاملاً محدود شد و پلیس رفت و آمد در آن را ممنوع ساخت. اصلی ترین خواست های کارگران چیت ری، عبارت بود از پرداخت دستمزدهای عقب مانده، جلوگیری از خصوصی سازی و تعدیل نیروی انسانی در کارخانه و نیز اعتراض به عملکرد فاجعه آفرین بنیاد مستضعفان. در ادامه این حرکت اعتراضی در روز سه شنبه، از ساعت ۱۵ بعد از ظهر همان روز صدها تن کارگر نوبت شب کارخانه نیز با صفوفی متحد به تظاهرات پیوستند. حرکت اعتراضی کارگران کارخانه چیت ری در مقابل مجلس، ادامه یک رشته اعتراضات سازمان یافته است که کارگران این کارخانه از چندین ماه پیش تدارک دیده اند که یکی از آخرین نمونه های آن، تجمع اعتراضی در مقابل دفتر مرکزی بنیاد مستضعفان در تاریخ ۶ خرداد ماه امسال بود.

کارگران چیت ری اعلام داشته اند، علاوه بر اینکه مدت ۶ ماه است حقوق دریافت نکرده اند، کارخانه با توجه به عملکرد مخرب بنیاد مستضعفان به سمت تعطیلی کامل می رود. به دنبال چنین تظاهراتی کارگران کارخانه کفش شادان پور، با پیوستن به تجمع اعتراضی کارگران چیت ری در مقابل مجلس با سردادن شعار و ابراز خشم نسبت به وضعیت فلاکت بار خویش و بی توجهی عمدی مسئولان ضد کارگری رژیم نسبت به خواسته های خویش، به یک پیروزی نسبی دست پیدا کردند. ابوالقاسم سرحدی زاده نماینده تهران در مجلس با حضور در بین کارگران چند روز مهلت خواست تا به مشکلات آنان رسیدگی شود.

به گزارش ایرنا، ۲۳ خرداد، به گفته سرحدی زاده، اگر مدیران این کارخانه ها بتوانند مشکلات کارگران و کارخانه ها را حل کنند، به کار خود ادامه خواهند داد و در غیر این صورت مدیران دولتی جایگزین آنان خواهد شد. در این تجمع اعتراضی ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه چیت ری و ۴۷۵ نفر از کارگران کفش شادان پور با پیوستن به همدیگر یک تجمع اعتراضی با نتایجی کاملاً مثبت و ملموس را برگزار کردند. حرکت هفته گذشته کارگران در مقابل مجلس این نکته را به اثبات رساند که حرکت های مستقل و مشترک کارگری مرتجعان حاکم را سریعاً به عقب نشینی وادار می سازد.

از آنجا که حرکت های اعتراضی مستقل و ثمر ده در بین کارگران سریعاً مورد استفاده قرار می گیرد باید امیدوار بود کارگران آگاه و مبارز با توسل به چنین شیوه هایی علاوه بر احقاق حقوق خود زمینه های لازم برای ایجاد سازمان های متشکل کارگری را از درون چنین اقداماتی به نفع خود به مرحله اجرا درآورند.

تحول مزبور در طول چندین سال تظاهرات کارگری برای اولین بار بود که اتفاق می افتاد و همین امر نوید روزهای روشن را برای جنبش کارگری در بر دارد.

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## ادامه دفاع بانک جهانی از سیاست های اقتصادی ...

جهانی و بویژه در نهادهای بین المللی ارایه داده است که این امر می تواند موجب افزایش اعتبار ایران و کاهش ریسک سرمایه گذاری در کشورمان شود.»

این مقام مسئول رژیم همچنین اعلام داشت که، بانک جهانی تسهیلات گوناگونی، از جمله مبلغی بیش از ۷۵۰ میلیون دلار در اختیار ایران قرار می دهد. حمایت و تقدیر بانک جهانی از سمت گیری اقتصادی- اجتماعی جمهوری اسلامی موضوع تازه یی نیست. به ویژه باید یادآوری کرد، روابط میان رژیم ولایت فقیه و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از دوران دولت هاشمی رفسنجانی گسترش و ژرفش یافت و به موازات آن دایره نفوذ و تاثیر این نهادهای امپریالیستی در شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور به نحو بارزی گسترش پیدا کرد. طی ده سال گذشته، کلیه برنامه های اقتصادی- اجتماعی رژیم به دستور و با صلاحدید این نهادها تدوین و اجرا شده است.

پیامد اجرای این برنامه ها نیز روشن تر از آنست که نیازمند توضیح و تفسیر باشد اما در یک زمینه اشاره به نکاتی چند ضروری می نماید، زیرا در گزارش بانک جهانی در مورد میهن ما، ضمن ستایش از رژیم ولایت فقیه، قید گردیده است که، آمار جمعیت زیر خط فقر از ۴۷ درصد در سال ۵۸ به ۱۵/۵ درصد در سال گذشته رسیده است. ظاهراً تهیه کنندگان گزارش بانک جهانی برغم شناخت خود از مسایل کشور ما، در دروغ پراکنی و آمارسازی دست در دست مقامات رژیم ولایت فقیه گذارده و کوشیده اند با وارونه جلوه دادن حقایق، از ایران در سیطره ارتجاع، کشوری با ثبات و رو به پیشرفت و مترقی تصویر کنند. ولی حقیقت اینست که، بانک جهانی به خوبی از اثرات اجرای دستورات خود در ایران اطلاع دارد و انتشار گزارشات بی پایه به منظور رسوخ و نفوذ بیشتر در حیات میهن ماست.

فاجعه یی که طی دو دهه گذشته تحت عنوان گسترش پدیده فقر در ایران به چشم می خورد، از آشکار ترین نتایج اجرای برنامه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است. در اواخر فروردین ماه سال جاری خورشیدی، معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام داشت: «مجموع جمعیت فقیر کشور به ۴۰ درصد می رسد.» روزنامه ایران، به تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۸۰، با درج این مطلب نوشت: «بر اساس بررسی های انجام شده، در سال ۱۳۷۹ خانوارهای با درآمد کمتر از ۱۳۲ هزار تومان در شهرها و ۸۳ هزار و ۵۰۰ تومان در روستاها به عنوان خانوارهای کم درآمد شناخته شده اند، که این به عنوان خط فقر نسبی قلمداد می شود.»

پژوهش های انجام گرفته، توسط کارشناسان غیر دولتی، حاکی از آنست که، بیش از ۵۰ درصد مردم در فقر و بیش از ۳۰ درصد نیز در فقر مطلق بسر می برند. آمار انتشار یافته از سوی مراکز رسمی رژیم ولایت فقیه تصریح می کند که، در سال ۱۳۵۶ در کل جامعه مجموعاً ۳۳ درصد افراد زیر خط فقر زندگی می کردند، اما در سال ۱۳۷۷ این رقم به بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. درآمد سالانه خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۷۷ به نسبت سال ۱۳۶۳ خورشیدی، بیش از ۲۰ درصد تنزل داشته است. بنا به گزارش رسمی وزارت کار و امور اجتماعی، سطح دستمزد کارگران نسبت به سال ۱۳۵۷، ۵۸۹ درصد کاهش نشان می دهد. رقم بزرگ و چشم گیری از خانواده های متعلق به طبقه کارگر و زحمتکشان به زیر خط فقر سقوط کرده اند. در مجموع کل فرهنگیان کشور، ۶۷ درصد زیر خط فقر اند.

آمار نشان می دهد، پیروی از نسخه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بنیه تولیدی کشور را تخریب و اقتصاد دلالی را رواج داده است و چنان شرایطی را پدید آورده است که، کارشناسان اظهار می دارند: «ایران امروز به شرایطی دچار شده است که، ۴۰ هزار نفر، ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی را می برند و ۹ درصد تولید ناخالص داخلی به ۲۶ میلیون نفر دیگر تعلق دارد.»

بنا به گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی در سال ۱۳۷۸ خورشیدی، درآمد افراد ثروتمند در ایران حدود ۱۰ برابر افراد کم درآمد

است در حالی که این نسبت در کشورهای انگلستان و ژاپن به ترتیب ۶/۸ و ۴ برابر است. این شکاف طبقاتی ژرف، و این افزایش جمعیت زیر خط فقر به خوبی «دستاورد های» اجرای برنامه های امپریالیستی در میهن ما را ثابت می کند. با چنین اوضاعی است که، بانک جهانی به ستایش و حمایت از رژیم ولایت فقیه می پردازد. این حرکت بانک جهانی به نمایندگی از امپریالیسم، در واقع تایید و تشویق برای شتاب بخشیدن به روند پیوستن ایران به روند جهانی شدن در سده بیست و یکم است. تاکید به روش خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه و ایجاد و مهیا ساختن نیروی کار ارزان و مطیع در کنار انواع معافیت های مالیاتی برای شرکت ها و انحصارات فراملی آن نکاتی اند که توسط رژیم ولایت فقیه بر خلاف منافع ملی و حقوق مردم ایران تا امروز پیگیری شده و رژیم در اجرای آنها از هیچ تلاشی دریغ نورزیده است.

در آستانه تشکیل جلسه بانک جهانی، مسئولان رژیم امر خصوصی سازی در واحدهای تولیدی و سیستم بانکی کشور را شتاب بخشیدند. این به منزله چراغ سبزه به تهیه کنندگان گزارش بود و از چشم تیز بین گردانندگان بانک جهانی نیز پنهان نماند. بی جهت نبود در ماه های گذشته اجرای خصوصی سازی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی به موضوع روز بدل شد و سران رژیم در باره آن داد سخن داده اند و یا نوری بخش رئیس کل بانک مرکزی از تاسیس بانک های خصوصی خبر داد. علاوه بر نکات فوق الذکر، یکی از مهمترین بخش های گزارش بانک جهانی، اعلام حمایت این نهاد ذی نفوذ از برنامه هایی است که دولت در چهار سال گذشته دنبال کرده است.

این حمایت و اظهار خرسندی بانک جهانی، زنگ خطر جدی یی برای آینده تحولات در میهن ماست. برقراری آزادی، عدالت اجتماعی و قانون گرایی، با اتخاذ سمت گیری اقتصادی- اجتماعی طبق نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، در تضاد آشفتنی ناپذیر قرار دارند. نمونه هایی چون ترکیه در همسایگی ما، خود گواه بر این مدعا است. هنگامی که، بانک جهانی در ساختمان های مجلل و سالن های زیبا و نو خود به بحث و تهیه گزارش در حمایت از رژیم ولایت فقیه مشغول بود، هزاران کارگر جان به لب رسیده با لباس های مندرس و چهره های ژولیده و غم انگیز خود در خیابان های اصفهان، اهواز و تهران و تبریز به راه پیمایی مشغول بودند. کارگران کارخانجات نساجی بافت ناز، بارش اصفهان، کارگران پتروشیمی بندر شاپور و کارگران ماشین سازی تبریز، خیابان ها را مسدود می کردند و ضمن درخواست حقوق عقب افتاده، با سیاست خصوصی سازی به مخالفت می پرداختند.

یکی از مسایل مهم پیش روی میلیون ها شهروند میهن ما که زیر فشار کمر شکن اقتصادی به زحمت امرار معاش می کنند، تغییر اساسی در سمت گیری های اقتصادی دولت خاتمی است. ما در چهار سال گذشته به دفعات ضمن انتقاد از سیاست های اعمال شده توسط دولت که مدعی دفاع از حقوق مردم است، اعلام کرده ایم که با ادامه سیاست های خانمان برانداز گذشته که اجرای آن توسط دولت رفسنجانی به مدت هشت سال میلیون ها ایرانی را به خاک سیاه نشانده نمی توان به عدالت دست یافت. مردم خواهان تغییر اساسی سمت و سوی سیاست گذشته و حرکت به سمت تأمین خواست زحمتکشان در توزیع عادلانه ثروت در جامعه اند. تلاش در حمایت از تولید داخلی، متوقف کردن روند مخرب خصوصی سازی و واگذاری شرکت های تولیدی به کلان سرمایه داران، که در هشت سال گذشته حاصلی جز نابودی بخشی از توان تولیدی کشور نداشته است، ارتقاء تولید داخلی با حمایت و سرمایه گذاری دولتی و حرکت به سمت محدود کردن نفوذ و در نهایت کوتاه کردن دست کلان سرمایه داری تجاری از حیات سیاسی و اقتصادی کشور از جمله خواست های میلیون ها ایرانی است. این خواست ها بجز با مبارزه وسیع توده ها و تشدید فشار برای تسریع روند اصلاحات و وادار کردن رژیم واپس گرای «ولایت فقیه» به عقب نشینی ممکن نیست.

## زنان و پدیده فقر

خانواده سازمان بهزیستی در جریان همایش های خانواده در خرم آباد رسماً اعلام داشت: « زنان سرپرست خانوار کشور با مشکلات زیادی از موانع اشتغال گرفته تا تامین هزینه های ضروری مواجه هستند. کمک هزینه این خانوارها در حال حاضر به یک چهارم در کشور کاهش پیدا کرده است. اما باز هم منابع مالی لازم از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور فراهم نمی شود.»

شایان ذکر است که، آن دسته از زنانی که موفق به یافتن شغلی، اغلب در کارخانه ها و کارگاه ها، می شوند، دستمزد مساوی برابر کار مساوی دریافت نمی کنند. در زمینه حقوق بازنشستگی و مستمری در مقایسه با مردان تبعیض آشکاری در حق آنها اعمال می شود. مزایای قانونی تامین اجتماعی برای زنان یکسان با مردان نیست. مدیر کل دفتر فقر زدایی و تامین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی با صراحت اعتراف می کند: «در حال حاضر بین ۳۰ تا ۵۰ درصد حداقل حقوق کارمندی به زنان بی سرپرست پرداخت می شود.»

صرف نظر از درستی یا نادرستی این ادعا یعنی پرداخت مبلغی به زنان سرپرست خانواده با توجه به هزینه های زندگی در جامعه امروز ایران، ۳۰ تا ۵۰ درصد حداقل حقوق کارمندی یعنی صفر و زانی که چنین مستمری بی دریافت می دارند، به تصریح خود رژیم ولایت فقیه در شمار خیل عظیم فقرا به حساب می آیند. گسترش پدیده فقر، منجر به رشد چشم گیر پدیده دردناک و دلخراش تکدی گری در سطح ایران شده است. طبق گزارشات انتشار یافته، ۳۰ درصد از کل متکدیان را زنان و دختران تشکیل می دهند. استانداری خراسان اعلام داشته است که، حدود یک سوم متکدیان در شهر مشهد را زنان تشکیل می دهند. بر اساس همین آمار بطور میانگین از بین ۱۰۰۰ تکدی در مشهد ۱۸۶ نفر زن و ۹۰ نوجوان و کودک زیر ۱۰ سال دختر دیده می شوند. وضع در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، شیراز به همین منوال است. وجود هزاران متکدی در سطح تهران، پایتخت کشور، که با طلوع هر سپیده دم در نقاط مختلف مستقر می شوند، «دستاوردهای» فراموش نشدنی رژیم ولایت فقیه در عرصه اجتماعی را گویی هر روز به رخ هر بیننده بی می کشد.

آنچه مورد اشاره قرار گرفت، تنها گوشه بی از شرایط دردناک و ناگوار زندگی زنان میهن ما را نشان می دهد. زنان، به دلایل گوناگون به ویژه زنان طبقات محروم و زحمتکش، قربانیان گسترش پدیده فقر در جامعه اند. تفکرات پوسیده و ارتجاعی در کنار سمت گیری اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه نتیجه بی جز فاجعه کنونی می تواند در پی داشته باشد؟

فاجعه بی که امروز زنان میهن ما را در کام خود فرو کشیده است را جز با مبارزه بی همه جانبه و خستگی ناپذیر با ریشه های آن نمی توان متوقف کرد. جنبش زنان که در راس آنان زنان زحمتکش قرار دارند، بخش جدایی ناپذیر جنبش دموکراتیک سراسری کنونی در راه طرد رژیم ولایت فقیه است. سرنوشت زنان در گرو کامیابی جنبش مردمی در مصاف با استبداد و ارتجاع است. از این روز زنان خصوصاً زنان طبقات محروم جامعه باید بیش از پیش در عرصه این مبارزه حیاتی حضور یابند.

سخنان رئیس سازمان بهزیستی کشور در جمع خبرنگاران رسانه های همگانی در شهر اهواز، پیرامون وضعیت نگران کننده زندگی زنان ایران، بار دیگر مسأله مبرم و فوق العاده پراهمیت نقش و حقوق زنان در جامعه را به یک موضوع حاد روز بدل ساخت. غلامرضا انصاری رئیس سازمان بهزیستی در یک گفتگوی مطبوعاتی با تاکید بر وضعیت ناگوار زنان از جمله یادآور شد: «در حال حاضر ۲۹ درصد افراد زیر خط فقر کشور را زنان سرپرست خانواده تشکیل می دهند، حدود ۷۰ درصد این زنان روستایی هستند و اغلب در بیسوادی محض بسر می برند، حدود ۳۰ درصد این زنان هیچ فرد شاغلی در خانواده ندارند. درصد قابل توجهی از آنان زیر پوشش بیمه نیستند و از نظر مهارت های زندگی پایین و سلامت جسمی آنها در خطر است.»

این نخستین بار نیست که یک مسئول رژیم ولایت فقیه با ارائه آمار و ارقام شرایط غیر انسانی زنان میهن ما را در معرض داوری افکار عمومی قرار می دهد. وضعیت زندگی زنان در کلیه زمینه ها، طی دو دهه اخیر، آن چنان وخیم و نگران کننده است که هیچیک از مقامات جمهوری اسلامی قادر به کتمان و پنهان سازی آن نیستند. در باره شاخص های نگران کننده زندگی زنان و دختران و بویژه زنان و دختران متعلق به طبقات محروم و زحمتکش جامعه، به حد کافی آمار و گزارشات گوناگون وجود دارد که با مینا قرار دادن آنها می توان تصویری روشن از جایگاه زن در شرایط کنونی به دست داد. در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه در شهر خرم آباد، همایش روز جهانی خانواده در ایران برگزار شد. در جریان این همایش گزارشات تکان دهنده ای توسط ارگان ها و نهادهای دولتی و برخی کارشناسان امور اجتماعی در خصوص موقعیت زنان ارائه گردید. مدیر روابط عمومی سازمان بهزیستی، طی سخنانی اظهار داشت: «حدود یک میلیون و ۳۷ هزار خانوار ایرانی معادل ۸/۵ درصد کل خانوارهای کشور توسط زنان سرپرستی می شوند.» وی در بخشی دیگر از سخنان خود گفت: «علت عمده سرپرستی زنان به ترتیب عبارتند از: «درگذشت همسر، طلاق، اعتیاد، زندانی شدن همسر و از کار افتادگی و ناپدید شدن مرد.»

در گزارش دیگری تصریح می شود: «حدود ۵۵ درصد زنان سرپرست خانوار شهری و ۷۰ درصد زنان سرپرست خانوار روستایی بیسواد مطلق هستند.» و باید اضافه کنیم که، از این مجموعه، طبق پژوهش انتشار یافته از سوی دفتر زنان و خانواده، ۷۹/۳ درصد دچار انواع بیماری های جسمی و روحی اند. آری، ۷۹/۳ درصد از کل زنان سرپرست خانواده در سراسر ایران! در جریان همین همایش معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی ضمن ارائه گزارشی یادآوری کرد که، قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست که در سال ۷۱ در مجلس به تصویب رسید در سال ۱۳۷۴ آیین نامه اجرایی آن به بهزیستی ابلاغ شد اما به رغم مجادله و مذاکره و انجام همه اقداماتی که یک سازمان دولتی می تواند صورت دهد ما هنوز (سازمان بهزیستی) موفق به تامین منابع مالی برای اجرای این طرح نشده ایم.»

به بیان دقیق و روشن، یک مقام ارشد سازمان بهزیستی آشکارا تاکید می کند، بررغم تصویب یک قانون، هیچ بودجه بی از سوی دولت های رفسنجانی و خاتمی برای تامین زندگی زنان و کودکان بی سرپرست اختصاص نیافته است. با توجه به این مسایل است که هر روزه بر شمار کودکان خیابانی، که عمدتاً به خانواده هایی که سرپرستی آنها با زنان است تعلق دارند، افزوده می شود. بر پایه آمار رسمی، اغلب کودکان خیابانی جمع آوری شده در سطح شهر تهران به خانواده های فقیر بویژه با سرپرستی زنان از استان های لرستان، کردستان، کرمانشاه، همدان و آذربایجان غربی متعلق می باشند. باید تاکید کرد، زنان سرپرست خانواده در عرصه دستیابی به شغل و تامین هزینه های زندگی و تحصیل برای فرزندان نشان با موانع متعدد و بزرگی روبرو هستند. مدیر کل زنان و

## ادامه انحصارهای جهان خوار نفتی و نظامی ...

کوسوو، بوسنی و سراسر یوگسلاوی دستیابی به ثروت سرشار استخراج و حمل و نقل نفت و مواد انرژی را در منطقه است ساختمان و کنترل خط لوله عمده «ماوراء بالکان» که یک سر آن در بورقاس در ساحل دریای سیاه در بلغارستان و سردیگر آن پس از عبور خاک مقدونیه در بندر ولور در ساحل دریای آدریاتیک در خاک آلبانی واقع است، از جمله برنامه های انحصارهای سرمایه داری در منطقه است. این خط لوله قرار است به یک رشته خطوط لوله انتقال نفت در شرق اروپا متصل گردد. یکی از این خطوط لوله عمده از دره پروسه، موسوم به دالان ۱۰، عبور کرده و به خط لوله ماوراء بالکان در منطقه مرزی مذکور در بالا متصل می شود.

این سیستم خطوط لوله نه فقط برای انتقال نفت به بنادر دریا های آزاد به منظور حمل توسط کشتی بلکه هم چنین برای انتقال نفت به قلب اروپا طراحی شده اند. دو شاخه خط لوله ماوراء بالکان به سواحل یونان ختم می شوند. و همه این تدارکات در رابطه با منابع غنی نفت در حوزه دریای خزر است. برای رساندن نفت به بازار، یکی از بهترین راه ها انتقال آن به سواحل دریای سیاه از طریق لوله حمل آن توسط نفت کش های عظیم در عرض دریا و سپس انتقال آن از طریق لوله از مسیر بالکان به سواحل دریای آدریاتیک است. این مسیر انتقال نفت دریای خزر از تنگه بسفر که بسیار باریک است و ترکیه مدعی است که برای حمل و نقل تانکر های بزرگ در مسیر دریای سیاه به مدیترانه مناسب نیست، گذر نمی کند. با محدود کردن این مسیر، ترکیه همچنین حمل و نقل نفت توسط روسیه از طریق تنگه بسفر را محدود کرده و لذا اهمیت ساختمان خط لوله لژ باکو در ساحل دریای خزر به ترمینال جیهان را در ترکیه افزایش می دهد. این خط لوله در سال های اخیر مورد توجه ایالات متحده بوده است. خط لوله ماوراء بالکان عملاً همه کشورهای واقع در مسیر را از دریای خزر تا بالکان به لحاظ اقتصادی و سیاسی وابسته به ایالات متحده می کند.

انتقال نفت از طریق بالکان تنها امر مورد نظر کارتل های عظیم نفتی نیست. آن ها همچنین توسعه میدان های غنی نفتی در بخش های مختلف بالکان را و به ویژه در آلبانی را مد نظر دارند. هزینه مطالعات تحقیقی که منجر به دادن چراغ سبز برای پروژه خط لوله ماوراء بالکان شد، عمدتاً توسط مالیات دهندگان آمریکایی تامین شد. بدین ترتیب روشن است که آغاز حملات تروریستی در مقدونیه بلافاصله پس از اتمام موفقیت آمیز مطالعات تحقیقی و تصمیم برای عملی ساختن خط لوله نمی تواند تصادفی باشد.

ژنرال مایکل جاکسون، که نهایتاً فرماندهی نیروهای نظامی ناتو در کوسوو، KFOR را به عهده گرفت، در سخنرانی بی در مقدونیه گفت: «ما برای مدتی طولانی در این جا خواهیم ماند که بتوانیم امنیت کریدور های انرژی را که از این کشور عبور می کنند، تضمین کنیم.» نکته جالب دیگر اینکه مسئولیت ساختمان پروژه خط لوله ماوراء بالکان بر عهده شخصی بنام «تو فرگوسون»، مدیر عامل سابق یکی از کمپانی های تشکیل دهنده شرکت عظیم «هالیبرتون»، یعنی کمپانی بی که دیک چنی، معاون بوش در آن سهام دار است. جالب است بدانیم که کمپانی «هالیبرتون» هم چنین سازنده پایگاه نظامی «باند استیل»، بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا از جنگ ویتنام تاکنون در خاک یوگسلاوی و همچنین عهده دار تامین خدمات مورد نیاز نظامیان مستقر در بالکان است. در سایه حضور نظامی ایالات متحده، غول های نفتی جهان نظیر تکزاکو، شورون، اکسون، موبیل، بی پی، آموکو، آجیب و توتال ال فینا مترصد بهره برداری از خط لوله ماوراء بالکان اند. پروژه بی عظیم چون خط لوله ماوراء بالکان نیاز به منابع عظیم مالی دولت ایالات متحده در شکل تضمین های سرمایه گذاری از بانک صادرات - واردات، وام از بانک جهانی، و دیگر اشکال حمایت مالی دارد. چنین پروژه بی همچنین نیازمند تامین نظامی به منظور حفظ «سلامت» آن است که از طریق حضور ناتو و پایگاه عظیم نیرو های آمریکائی در مرز کوسوو تضمین می گردد.

هدف تروریسم در بالکان توسط ارتش آزادیبخش کوسوو و «ارتش آزادیبخش ملی» به طور واضح ایجاد «آلبانی بزرگ» زیر کنترل دولت آمریکاست. این هدفی است که مورد توجه و حمایت نو فاشیست های امروزی است. نقشه «آلبانی بزرگ» همچنین بخش هایی از یونان را نیز شامل می شود. اینکه خط لوله ماوراء بالکان شامل شاخه هایی است که به یونان منتهی می شوند و نیز این مسأله که دره پرسه و تنها مسیر ممکن برای یک خط لوله بین اروپا و بندر یونانی تسالونیکا محسوب می شود آیا امری تصادفی است؟ مصائب مردم یوگسلاوی که ۷۸ روز بدون وقفه توسط ایالات متحده و ناتو بمباران شدند و برای سال ها تحت سخت ترین تحریم های اقتصادی بوده اند، و همچنین پارچه پارچه شدن جمهوری یوگسلاوی را باید با طرح های جنایت کارانه انحصارهای فرا ملی و بخصوص انحصارات عظیم نفتی مرتبط دانست. با مطالعه بی دقیق، مشخص می شود که کمپانی های عظیم نفتی چون گذشته در بسیاری از جنگ ها و درگیری های جهان، واز جمله کوشش برای نابودی حاکمیت ملی و ششقه ششقه کردن ملت ها دست دارند، و از بازوی نظامی دولت های امپریالیستی خصوصاً ناتو برای پیشبرد چنین برنامه هایی بهره می جویند.

## ادامه تأملی بر نتیجه انتخابات خرداد ۱۳۸۰ و ...

و اما مردم چه کردند؟ با وجود همه فشارها و تلاش های گوناگون میلیون ها ایرانی به پای صندوق های رأی رفتند و با رأی ۲۲ میلیونی خود اراده خود را در دفاع از روند اصلاحات اعلام کردند. ۲۲ میلیون ایرانی با اتکاء به تجربه غنی و هوشیاری کامل می دانستند که متوقف شدن روند اصلاحات، حتی در چارچوب ضعیف چهار سال گذشته می تواند مضرات فراوانی برای جنبش مردمی در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» و حرکت به سمت استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی داشته باشد. ما با این نظر که گویا توده ها با درک غلط و بی اساس در انتخابات شرکت کردند و ضروری است تا چهار سال دیگر درجا بزنند تا به واقعیات بی ببرند مخالفیم. چنین تحلیلی اصولاً با درک غلط تحولات اجتماعی میهن ما رویدادهای چهار سال گذشته را، از آنجایی که در چارچوب تحلیل تحقق «انقلاب سوسیالیستی» و استقرار فوری و بلاواسطه «حکومت کارگری» نمی گنجد، نادیده می گیرد و درک نمی کند که جنبش مردمی توانسته است از شکافی که در درون حاکمیت پدید آمده است بهره جوید و فضای مناسب تری را برای پیشبرد امر مبارزه پدید آورد. به گمان ما به جای در غلطیدن به بحث های یک سو به موفقیت و با عدم موفقیت تاکتیک های گوناگون اتخاذ شده، مسأله مهمی که امروز در مقابل جنبش مردمی و نیروهای مترقی و آزادی خواه قرار دارد، موضوع چگونگی پیشبرد امر مبارزه به جلو در شرایط دشوار و بغرنج کنونی است. آنچه مسلم است این است که مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم مصمم اند تا با اتکاء به تجربه چهار سال گذشته و با بهره جویی از تاکتیک های مشابه اجازه ندهند تا هیچ حرکتی، هرچند کوچک، در راه تحقق خواست های مردمی انجام پذیرد. ارتجاع با اتکاء به ارگان های ضد مردمی همچون شورای نگهبان و قوه قضائیه و ارگان های سرکوبگر تحت اختیارش می تواند، در صورت عدم مقابله موثر جنبش مردمی، روند اصلاحات را مسدود کند و این چهار سال را تا خرداد ۱۳۸۴ بدین ترتیب سپری کند و آنگاه نیز با اتکاء به همین نهادها زمینه را برای بازگشت به دوران حکومت ائتلاف رفسنجانی - خامنه ای مهیا نماید. بحث حزب ما در چهار سال گذشته در این زمینه بر این نکته اساسی تأکید داشته است که باید به سمت سازماندهی جنبش مردمی حرکت کرد. بدون اتکاء به توده ها در مبارزه با ارتجاع نمی توان به پیروزی رسید. سازماندهی توده ها نیز محتاج برنامه و تلاش حول خواست های مشترک است. امروز مسأله اختیارات نامحدود «ولی فقیه» در عرصه های گوناگون یکی از موضوعات اساسی بی است که باید برای تغییر آن چاره بی اندیشید.

تجربه چهار سال گذشته نشان داده است که ارتجاع و استبداد حاکم با اتکاء به همین اهرم «قانونی» می تواند همه حقوق و خواست های مردم را به خشن ترین شکل ممکن لگد مال کند. شماری از اصلاح طلبان حکومتی ضمن طرح ضرورت همه پرسی درباره شیوه حکومتی در میهن ما تویحاً به ضرورت بازبینی قانون اساسی اشاره کرده اند، چنین امری تنها با بسیج عظیم اجتماعی و آمادگی برای مقابله رو در رو با ارتجاع ممکن است. سازماندهی توده ای به معنای نزدیک کردن مبارزات پراکنده کارگران و زحمتکشان با مبارزات جوانان و دانشجویان و پیکار زنان است. این امر نیز بدون یک برنامه مشخص که در برگیرنده خواست های حداقل قشرهای مختلف اجتماعی مدافع اصلاحات باشد، امکان پذیر نیست.

چهار سال پیش رو چهار سال تعیین کننده بی در حیات آینده میهن ماست. تعلل، بی برنامهگی و مماشات با خواست ها و برنامه های مرتجعان حاکم، برای حفظ «نظام» به هر قیمتی، بی شک برای اصلاح طلبان حکومتی جز خودکشی سیاسی و پیوستن به جرگه کسانی همچون خامنه ای، رفسنجانی ها و شرکاء که مردم تفر و انزجار خود را از آنان به دفعات در سال های اخیر اعلام کرده اند، ثمری به همراه نخواهد داشت.

باید با عبور از مرزهای «خودی» و «غیرخودی» که از سوی ارتجاع تحمیل شده است با قرار گرفتن در کنار مردم راه را به سوی شرکت وسیع تر و سازمان یافته تر توده ها در تعیین سرنوشت خویش و برای تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهن گشود.

## پیروزی تاریخی کمونیست ها در قبرس

پیروزی حزب کمونیست قبرس (اگل)، با کسب ۳۴/۷ درصد آراء، در انتخابات پارلمانی قبرس، مبارزه زحمتکشان این کشور را در راستای وحدت ارضی و اتخاذ یک برنامه رادیکال سیاسی- اجتماعی وارد مرحله نوینی کرد.

حزب دست راستی «رالی دموکراتیک» که در پارلمان قبل صاحب اکثریت کرسی ها بود، ۳۴ درصد آراء را بدست آورد. با اعلام نتیجه انتخابات طرفداران اگل و ترقی خواهان قبرس، در نیکوزیا و شهرهای عمده این کشور به شادی و پایکوبی پرداختند. پیروزی اگل با توجه به این که قبرس مراحل نهایی پیوستن به اتحادیه اروپا را می گذراند، به تقویت موقعیت حزب در چگونگی ادامه مذاکرات در این رابطه منجر می شود و نگرانی نیروهای راست و سوسیال دموکرات در اتحادیه اروپا را برانگیخته است. اگل پیوستن به اتحادیه اروپا را در حکم یک عامل عمده برای مجبور کردن ترکیه به خروج نیروهای خود از شمال قبرس و پایان دادن به اشغال ۲۷ ساله این کشور ارزیابی می کند و به طور مشروط از آن حمایت می کند. رفیق دیمتری کریستوفیاس، دبیر کل اگل، در سخنرانی خود به مناسبت پیروزی در انتخابات پارلمانی با اشاره به لزوم وحدت ارضی کشور، شهروندان ترک قبرسی را «هموطن» خواند و گفت: «این نتایج مسئولیت ما را در تلاش برای وحدت دوباره بخشیدن به کشور مان و ملت مان، یونانی ها و ترک های قبرسی افزایش می دهد.»

در روز ۱۷ خرداد ماه پارلمان قبرس رفیق کریستوفیاس را به مقام رئیس مجلس نمایندگان انتخاب کرد. این اولین بار در تاریخ ۴۱ ساله قبرس است که یک کمونیست مصدر چنین پست با اهمیتی می شود.

پیروزی اگل در انتخابات هم چنین به معنی ترمز جدی روند خصوصی کردن ها و به ویژه فروش صنایع دولتی ارتباطات دور به کمپانی های چند ملیتی خواهد بود. انتخابات پارلمانی از سوی بسیاری از تحلیل گران پیش در آمدی برای انتخابات تعیین کننده ریاست جمهوری خواهد بود که قرار است دو سال دیگر انجام بگیرد. در حال حاضر دولت متمایل به راست پزیدنت گلافکوس کلریداس با حمایت حزب دست راستی رالی دموکراتیک قدرت اجرایی را بدست دارد. اگل هیچگاه خود مستقلاً کاندیدای ریاست جمهوری معرفی نکرده است و تا کنون در قالب ائتلاف چپ از کاندیداهای مترقی و متمایل به چپ حمایت کرده است. در آخرین کنگره اگل در آذر ماه، بحثی عمده و داغ در رابطه با لزوم معرفی رفیق کریستوفیاس به عنوان کاندیدای مستقل حزب در انتخابات ریاست جمهوری آینده در جریان بود.

به مناسبت پیروزی حزب برادر در انتخابات قبرس پیام شاد باشی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران برای رهبری اگل ارسال گردید. در بخش هایی از این پیام ضمن تبریک این موفقیت چشمگیر به رهبری، اعضا، و هواداران اگل آمده است: «ما اعتقاد داریم که پیروزی اگل قویا در راستای توسعه قبرس به مثابه یک کشور امن، مرفه و طرفدار صلح و همبستگی عمل خواهد کرد.» پیام کمیته مرکزی حزبمان با تأکید به ادامه «حمایت اصولی و انقلابی و همبستگی حزب توده ایران با مبارزه اگل در جهت صلح، وحدت و رفاه قبرس و سوسیالیسم» خواهان گسترش روابط برادرانه دو حزب در راستای تقویت مواضع نیروهای ترقی خواه، جنبش های آزادی بخش ملی در منطقه خاورمیانه گردید.

## بررسی رویدادهای جهان

### پیروزی نیروهای چپ در مغولستان

«ناتساگین باغبانندی» کاندیدای نیروهای چپ در مغولستان، با به دست آوردن ۶۰ درصد آراء، در انتخابات ریاست جمهوری این کشور به پیروزی دست یافت. نخست وزیر مغولستان، «نام برین انکبایر»، پیروزی در این انتخابات را سند دیگری از پشتیبانی وسیع مردم از «حزب انقلابی خلق مغولستان» خواند و گفت: «پشتیبانی بی که مردم از خود نشان دادند، سندی است که اعتماد و باور مردم را نسبت به دولت، مجلس و رئیس جمهور بیان می کند... حزب انقلابی خلق مغولستان، حزبی ویژه یک گروه اجتماعی نیست این حزبی است برای سراسر کشور.»

پیروزی «باغبانندی» در انتخابات ریاست جمهوری، به دنبال پیروزی حزب کمونیست در انتخابات مجلس، در سال گذشته، به مفهوم تأیید مجدد حزب در مغولستان است. پس از یک دهه حکومت سرمایه داری در مغولستان بیش از ۲/۴ میلیون نفر بیکار شده اند و خدمات عمومی و اجتماعی شدت کاهش یافته است. جرائم عمومی و فساد روبه افزایش بوده است و فقر گرسنگی، گریبانگیر تعداد بیشماری از مردم شده است. سال گذشته حزب انقلابی خلق مغولستان، زمانی که در انتخابات مجلس، ۷۲ کرسی از ۷۶ کرسی را بدست آورد، قول داد که شرایط لازم را برای دسترسی به تحصیل و خدمات اجتماعی بهبود بخشد. رئیس جمهوری منتخب، که برنامه های دولت قبلی را برای خصوصی سازی صنایع و خدمات سد کرده بود، رهبری فراکسیون مخالفین «انکبایر» را بر عهده دارد. «انکبایر» پیشنهاد کرده است تا شرکت های بزرگ دولتی به بخش خصوصی واگذار شوند. در مغولستان، رئیس جمهوری، ریاست ارتش و کمیته امنیت ملی را بر عهده دارد و می تواند تصمیمات مجلس را وتو کند.

### افزایش تحریم های اقتصادی بر ضد عراق

ایالات متحده و انگلستان، بار دیگر در کمیسیون شورای امنیت سازمان ملل، به ادامه تحریم های اقتصادی بر ضد عراق رای دادند و خواستار افزایش این تحریم ها شدند. تحریم های اقتصادی بر ضد عراق تا کنون صدمات فراوانی را به مردم عادی عراق وارد آورده است. افزایش بیماری های مسری، کمبود امکانات بهداشتی و درمانی، سوء تغذیه شدید در بین نوزادان و کودکان، افزایش مرگ زودرس در بین کودکان از جمله این صدمات است. ایالات متحده و انگلستان به نام دفاع از «حقوق بشر»، «ایجاد دموکراسی» و «بهبود کردن زندگی» مردم عراق را در سخت ترین شرایط زیستی قرار داده اند. هدف امپریالیسم در عراق نه بهبود شرایط زندگی مردم بلکه ایجاد شرایط مناسب برای تامین منافع خود است. این اقدام نه تنها فشاری به عراق برای قبول شرایط ایالات متحده است بلکه تهدیدی است بر ضد دیگر کشورهای منطقه که با عراق روابط اقتصادی دارند.

### لغو اجلاس بانک جهانی در اسپانیا

بانک جهانی، طی اطلاعیه بی اعلام کرد که این بانک جلسه سالیانه خود را که قرار بود در فاصله بین ۲۵ تا ۲۷ ژوئن در بارسلون برگزار شود، لغو کرده است و قرار است تا طبق طرح جدیدی آن را از طریق اینترنت برگزار کند. پس از تظاهرات نوامبر و دسامبر سال ۹۹ در سیاتل که بر ضد سیاست های ضد بشری بانک جهانی و صندوق بین المللی پول صورت گرفت، تاکنون همه گردهمایی های صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی در واشنگتن، پراگ، بانکوک، و سیدنی هدف تظاهرات برنامه ریزی شده و هماهنگ طیف وسیعی از نیروهای ضد سرمایه داری و از جمله احزاب کمونیست- کارگری، اتحادیه های کارگری، نیروهای رادیکال طرفدار حفظ محیط زیست قرار گرفته اند. این در حالی است که مسئولین بانک جهانی و صندوق بین المللی پول پس از تظاهرات سیاتل، در صدد بوده اند تا جلسات خود را در محل هایی برگزار کنند که کمتر با خطر تظاهر کنندگان روبه رو شود. این اولین بار است که بانک جهانی مجبور شده است تا کنفرانس خود را کلاً لغو کند. از هم اکنون فعالین مخالف سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، در تدارک اعتراضات وسیعی هستند بر ضد اجلاس گروه موسوم به گروه ۸ در «جنوا» ایتالیا و جلسه مشترک سران صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، که قرار است در ۲۸ سپتامبر در واشنگتن برگزار شود.

### در دفاع از مبارزات مردم فلسطین

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، طی اطلاعیه بی به مناسبت ۳۴ - امین سال اشغال فلسطین توسط ارتش اسرائیل و به دنبال حملات شدید نظامی این دولت به مناطق فلسطینی نشین و کشتار مردم و تخریب مسکن، ضمن محکوم کردن دولت شارون و جنایت های آن از مبارزات به حق مردم فلسطین دفاع کرد. در این اطلاعیه از جمله گفته می شود که:

۵ ژوئن مصادف است با ۳۴ - امین سالگرد جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و اشغالگری اسرائیل. ۵ ژوئن به حزب ما و دیگر نیروهای صلح طلب در اسرائیل، این فرصت را به دست می دهد که بار دیگر در مورد هزینه سنگینی که جنگ و اشغال گری و نتایج مخرب که اسکان اسرائیلی ها به همراه داشته است، اظهار نظر کنند. سیاستی که حقوق ملی و انسانی مردم فلسطین را زیر پا می گذارد. در خون ریزی های کینه توزانه ای که به دلیل سیاست های دولت شارون - پرز در منطقه ما صورت می گیرد و هدف آن خرابکاری در مفاد موافقت نامه های صلح است، حزب ما هر تلاشی را به خرج میدهد تا به همکاری بین نیروهای دموکراتیک و صلح طلب یاری برساند. ما به همراه یکدیگر برای راه حلی صلح آمیز مبارزه می کنیم که بتواند به اشغال پایان دهد و به استقلال فلسطین به عنوان کشوری مستقل و پایتخت آن اورشلیم در کنار اسرائیل یاری برساند و با راه حل های به توافق رسیده، طبق قطعنامه های سازمان ملل، به مسأله آوارگان فلسطینی پایان داده شود.»

## قیام بر ضد «جهانی شدن» و نولیبرالیسم

تظاهرات بیش از ۲۵ هزار تن از مخالفان جهانی شدن و نولیبرالیسم، گردهمایی مهم سران کشورهای اتحادیه اروپا را در شهر گوتنبرگ سوئد شدیداً تحت الشعاع قرار داد. تظاهرکنندگان بر رغم اقدامات امنیتی پلیس سوئد که از ماه ها قبل برای انجام بی درد سر این جلسات که قرار بود در رابطه با افزایش تعداد کشورهای اتحادیه اروپا تصمیم نهایی بگیرد، تدارک دیده شده بود، موفق شدند که بحث در رابطه با مخالفت وسیع زحمتکشان با روند جهانی شدن را به دستور کار اجلاس تحمیل کنند. نیکلا فونتاین، رهبر محافظه کار پارلمان اروپا، در سخنرانی خود در اولین روز اجلاس از قیام «توده ای ناراضی» که می تواند قاره اروپا را در خود فرو ببرد، اظهار نگرانی کرد. در حالی که خانم فونتاین در رابطه با نتایج «فاجعه بار» تغییر واحد مالی اروپا به یورو در اول ژانویه آینده به رهبران ۱۵ کشور اصلی سرمایه داری اروپا اعلام خطر کرد، ۲۵۰۰۰ تظاهر کننده خشمگین در خارج از محل برگزاری اجلاس مخالفت خود را با نتایج مخرب جهانی شدن در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست با صدای رسا و شعارهای گویا اعلام می کردند. بر رغم کوشش مطبوعات دست راستی اروپا برای وابسته دانستن این تظاهرات به کوشش محافظ افراطی و آنارشیتها، رهبران اتحادیه اروپا مجبور شدند که تصدیق کنند طیف گسترش یابنده ای از مردم و زحمتکشان گسترش و تعمیق اتحادیه اروپا را بر ضد منافع خود می دانند. رای «نه» مردم ایرلند، درست یک هفته قبل از برگزاری اجلاس، در فرآیندومی در رابطه با حمایت دولت ایرلند از تصمیمات اجلاس تصمیم گیری «نیس» در آذر ماه گذشته نشانگر چنین واقعیتی است. وزیر خارجه سوئد، آن لیند، برخورد های خشونت آمیز بین تظاهر کنندگان و پلیس را «تراژیک و جدی» خواند. در جریان این برخورد ها پلیس با آتش گشودن بر روی تظاهر کنندگان ۳ نفر را زخمی کرد که حال یکی از آنان وخیم گزارش شده است. یکی از قابل توجه ترین جنبه های اجلاس اخیر، بی اعتنائی کامل رهبران سرمایه داری اروپا که دائماً به دیگر کشورها درس دموکراسی می دهند، به آراء مردم است. نخست وزیر ایرلند در اجلاس گوتنبرگ اظهار کرد: «من می خواهم این را مطلقاً روشن کنم که به نظر من، رای «نه» (در فرآیندوم) نباید به عنوان رای بر ضد گسترش اتحادیه اروپا تفسیر شود.» گرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان، در بی اعتنائی کامل به رای مردم ایرلند، گفت: «بر رغم رای مردم ایرلند، پیام ما این است که روند گسترش اتحادیه اروپا غیر قابل بازگشت است.» پیتر هین، وزیر دولت بریتانیا در رابطه با اتحادیه اروپا تصریح کرد که دولت متبوع او فقط در صورتی فرآیندومی را در این رابطه برگزار می کند که مطمئن باشد که در آن پیروز می شود. او افزود «ما فرآیندومی را سازمان نخواهیم داد که انتظار برود که در آن شکست بخوریم... این به نفع مردم انگلیس نخواهد بود.» تونی بلر نخست وزیر دولت انگلیس در محکوم کردن قیام مخالفان جهانی شدن و نولیبرالیسم مدعی شد که «تجارت جهانی برای اشتغال مردم و استاندارد زندگی آنها مفید است. این اعتراضات و کسانی که به این اعتراضات دست می زنند، گمراه هستند.

• واحد حزب توده ایران، در سوئد و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در غرب سوئد، در اعلامیه مشترکی، پیش از سفر بوش به این شهر، ضمن اعتراض به سیاست های دولت جدید آمریکا حمایت را در حرکت های اعتراضی نیروهای مترقی این شهر بر ضد سفر بوش اعلام کرده بودند.

## انحصارهای جهان خوار نفتی و نظامی، دولت بوش، جنگ بالکان، دریای خزر و نفت

با اقتباس از نشریه «هفته نامه مردم» (Peoples Weekly)،  
ارگان حزب کمونیست آمریکا

دولت بوش، که با حمایت وسیع کمپانی های نفتی و منابع انرژی به مقام ریاست جمهوری این کشور رسید، در ماه های اخیر نظرات دولت خود را در رابطه با تأمین نفت، گاز و انرژی هسته ای بیشتر برای مقابله با «بحران انرژی» مطرح کرده است. بسیاری از مفسران سیاسی با بررسی این سیاست ها و همچنین عملکرد دولت آمریکا در رابطه با تحولات بالکان و همچنین مسأله ایجاد دالان نفتی از دریای خزر به اروپا تشدید جنگ داخلی و عملیات تروریستی در مقدونیه و بالا گرفتن خطر درگیری های جدید نظامی را در ارتباط مستقیم با سیاست های دولت بوش، به نیابت از شرکت های فراملی نفتی و انحصارهای اسلحه سازی می دانند.

حملات و تهاجم تروریستی، توسط «ارتش آزادیبخش ملی» (NLA)، در جمهوری مقدونیه که بخشی از جمهوری فدرال یوگسلاوی است در روزهای اخیر با شدت بیشتری از سر گرفته شده اند. نیرو های نظامی مقدونیه در مقابله با تهدید تروریستی تهاجم بزرگی را آغاز کرده اند. تروریست های آلبانی تبار حملات شدیدی را در مناطق صعب العبور کوهستانی، نه فقط بر ضد صرب ها و مردم مقدونیه، بلکه هم چنین بر ضد اقلیت آلبانی که مخالف آن ها هستند، سازمان داده اند. حتی برخی کشورهای غربی نیز، در ظاهر امر، اقدامات تروریست های آلبانی تبار را به دلیل اینکه می توانند منجر به شعله ور شدن آتش یک جنگ وسیع شود، به انتقاد کشیده اند. اما پشت پرده چه خبر است؟

گرچه دولت آمریکا اظهار می دارد که مخالف تروریسم در این منطقه است، اما با کمی تأمل روشن می شود که منشأ این اقدامات تروریستی همگی از قلمرو کوسوو سرچشمه می گیرند و بر هیچ کسی پوشیده نیست که این منطقه در کنترل کامل نیرو های نظامی چند ملیتی وابسته به ناتو موسوم به KFOR است و واحد های آمریکایی در پایگاه عظیم نظامی «باند استیل» واقع در قلب این منطقه حیاتی مستقرند. همچنین روشن است که «ارتش آزادیبخش ملی» آلبانی با «ارتش آزادیبخش کوسوو» مرتبط است و هر دوی این نیروها مستقیم و غیر مستقیم از سوی نیرو های اشغالگر آمریکایی و ناتو در کوسوو مورد حمایت قرار می گیرند. تغییر ظاهری «ارتش آزادیبخش کوسوو» به «سپاه محافظ کوسوو» که توسط کمپانی آمریکایی (ام. پی. آر. آی) تعلیم می بیند، هیچ تغییری در اوضاع نداده است، این کمپانی در سال ۱۹۹۵ مسؤلیت تعلیم و سازماندهی ارتش کراسی را که ۲۰/۰۰۰ صرب را از منطقه کراهینا در کراسی بیرون راند، به عهده داشت.

حملات اخیر، در مقدونیه، در نزدیکی مرز های بین مقدونیه، کوسوو و در جنوب شرقی صربستان متمرکز بوده اند. این دره را نوار باریکی بین رشته کوه های بلندی که از غرب هم مرز کوسوو از شرق هم مرز بلغارستان است، تشکیل می دهد. این یک مسیر استراتژیک است که قرن ها به منظور تجارت و عبور ارتش ها بین اروپا و خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفته است.

پس از فروکش کردن کارزار وسیع تبلیغاتی امپریالیسم درباره «حقوق بشر» اقلیت ها در منطقه اکنون روشن است که دلیل عمده مداخله ایالات متحده در

ادامه در صفحه ۶

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>  
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 611  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

19 June 2001

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک